

راه‌های پیشگیری و نقش نظارت همگانی پلیس بر کاهش بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی

نیوشا سجادی^۱، مهدی مددی^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه نجف آباد اصفهان

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی (نویسنده مسئول)

چکیده

فضای سایبر، به عنوان ارمغان قرن حاضر، دگرگونی‌های بی‌نظیری را در زندگی بشر به وجود آورده است، که در عصر حاضر شتاب بیشتری گرفته و با شبکه‌های اجتماعی، افراد را از بعد مکان رهانیده است. شبکه‌های اجتماعی نقش پررنگی در دنیای امروز دارند و پیش‌بینی می‌شود با پیدایش و رونق روز افزون شبکه‌های اجتماعی، در کنار مزایای بی‌شمارشان، تهدیدی جدی برای افراد جامعه محسوب می‌شود؛ اما آنچه که بر نگرانی‌ها می‌افزاید این است که در سال‌های اخیر مطابق تحقیقات و مطالعات آماری انجام شده با پیدایش شبکه‌های اجتماعی، به صورت تصاعدی بر شمار بزه‌دیدگان زن افزوده می‌شود و هرچه می‌گذرد آسیب‌های شبکه‌ها با سرعت و وخامت بیشتری، بزه‌دیدگی زنان را به سوی خود فرا می‌خواند. بدین ترتیب در این تحقیق توجه به بزه‌دیدگی زنان در فضای سایبر نیز در دستور کار قرار گرفت و سعی بر آن شده است تا ضمن بررسی شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یک مولد تازه در جامعه به نقش نظارت همگانی پلیس در جهت پیشگیری و کاهش آسیب‌های آن نیز پرداخته شود. با این همه مسئله بزه‌دیدگی زنان در فضای سایبر کماکان به عنوان یک بحران مغفول هر روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، بزه‌دیدگی سایبری، زنان، پیشگیری، پلیس

مقدمه:

دستاوردهای بشر از صنعت و فناوری‌های نوین علاوه بر منافع که برای بشر داشته و رفاهی که برای او به ارمغان آورده است، همواره آسیب‌هایی را نیز به همراه داشته است. اینترنت به عنوان یکی از مهم‌ترین ابداعات بشر در قرن اخیر با قابلیت‌ها و کارکردهای متعدد و گسترده‌اش بخش‌های مختلف زندگی انسانی را تحت تأثیرات مثبت و منفی خود قرار داده است. (سلیمانی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵) شبکه‌های اجتماعی نیز که یک فن‌آوری جدید است اگرچه ابتدا جذاب و سرگرم‌کننده می‌نمود، در نهایت نیازمند صرف انرژی و زمان فراوانی است. شبکه‌های اجتماعی با جذابیت‌های منحصر به فرد خود، بسیاری از انسان‌ها را به سوی خود جلب کرده است که از این میان، طیف وسیعی از کاربران اینترنتی را زنان تشکیل می‌دهند. دختران و زنان در بسیاری از گروه‌های سنی، تحصیلی و از طبقات اجتماعی مختلف با انگیزه‌های متفاوت وارد اینترنت و شبکه‌های مجازی می‌شوند. اما سؤالاتی که پیش می‌آید این است که زنان با چه اهدافی از شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنند؟ تأثیرات مخرب شبکه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی این زنان تا چه میزان است؟

در این باره مرکز آمار اینترنت جهان در فوریه ۲۰۰۵، تعداد کاربران اینترنت در ایران را چهار میلیون و ششصد هزار نفر اعلام کرد که ۴۷٪ این رقم مربوط به زنان دختران ایران بود. براساس این گزارش، بیشترین مدت استفاده زنان ایرانی از اینترنت، به ترتیب در زمینه چت کردن، استفاده از پست‌های الکترونیکی، دسترسی به سایت‌های غیراخلاقی، تفریحی، سرگرمی و مطالعه و پژوهش بوده است؛ همچنین مطالعات نشان می‌دهند که ۶۲٪ دختران ایرانی به طور متوسط، یازده ساعت در هفته چت می‌کنند و دست کم ۳۰٪ آنان بیست ساعت در هفته، مشغول چت کردن و دوست‌یابی هستند. (منطقی، ۱۳۸۹: ۵۰) این در حالی است که امروزه به دلیل فراگیر شدن حضور افراد در شبکه‌های اجتماعی، حضور زنان و دختران نیز پررنگ‌تر از قبل شده است.

به نظر می‌رسد زنان ایرانی به دلیل سیطره و حضور پررنگ فرهنگ مردانه در جامعه، چت را به عنوان جای‌گزین و جبران برای کمبودها، حقارت‌ها و نقص‌های خود برگزیده‌اند و این امر در حال حاضر رو به گسترش است. زنان و دخترانی که به شبکه‌های اجتماعی روی می‌آورند در مقایسه با زنان یک نسل پیش از خود، فردگرا و در عین حال برون‌گراتر شده‌اند. آنان بدون نگرانی از تلقی و نگاه دیگران راحت‌تر از مادرها و مادر بزرگ‌هایشان درباره خود و زندگی خصوصی‌شان حرف می‌زنند. در کنار فرصت مغتنمی که این شبکه‌ها برای حضور زنان ایرانی در فضای مجازی به وجود آورده است، خطرهایی جدی نیز آنان را تهدید می‌کند زیرا روابط اینترنتی، روابطی سطحی است و عمق چندانی ندارد. این نوع ارتباط‌های سطحی، فاقد مشخصه‌هایی مانند: مجاورت مادی، تماس منظم و اثرگذاری عمیق است؛ در نتیجه افرادی که دچار ضعف شدیدی در روابط اجتماعی هستند به ارتباط اینترنتی پناه می‌برند؛ زنی که در روابط واقع‌اش توفیق چندانی نداشته است، از این راه قادر خواهد بود روابط گسترده‌ای را برقرار کند و عواطف و احساسات خویش را بروز دهد، در واقع شبکه‌های اجتماعی فرصتی برای یک زن فراهم می‌آورد که خودش نباشد و کسی باشد که دوست دارد. این تغییر شخصیت در دنیای مجازی راهی برای گریز از واقعیت‌هاست و برای مدت محدودی فرد را از نظر روانی تخلیه می‌کند و به آرامش می‌رساند، این موضوع سبب می‌شود که کاربر از به سر بردن در شبکه‌های مجازی لذت زیادی برده و به این ترتیب به اینترنت معتاد می‌شود. وقتی فردی به اینترنت وابسته شد در عمل فرصت برقراری تعامل با دیگران، به ویژه با خانواده‌اش را از دست می‌دهد و همین امر چرخه‌ای معیوب تشکیل می‌دهد. کاهش روابط موجب می‌گردد فرد مهمترین منبع حمایت اجتماعی خود را تضعیف کند یا احیاناً آن را از دست بدهد، همچنین باید اذعان داشت فن‌آوری‌های ارتباطی (شبکه اجتماعی) امنیت و آرامش آنها را تهدید می‌کند، اما متأسفانه به دلیل وجود برخی مسائل اجتماعی حل نشده در جامعه مانند، گسست نسلی، ارضای نامناسب نیازهای جنسی جامعه، افسردگی اجتماعی، مردسالاری و... پناه جستن به فضای مجازی در برخورد با مشکلات فرا روی زنان، کاربری زنان از شبکه‌های اجتماعی را بیشتر

می‌کند و همین امر زمینه و بستر مساعدی جهت تخریبی عمل کردن پیش از پیش شبکه‌های اجتماعی در ایران را فراهم سازد.

مبانی نظری

فضای سایبر همچون فضای واقعی پذیرای عناصر مختلف جرم است و اجزای متشکله افعال مجرمانه در این دو فضا تا حدود زیادی با یکدیگر تشابه دارند. نیاز به وجود بزهکار، بزه‌دیده و عناصر سه گانه تشکیل دهنده جرم «عناصر مادی، معنوی و قانونی» از ضروریات غیرقابل انکاری است که می‌بایست در جرائم سایبری به آنها توجه نمود و این ارکان در این دسته از جرائم نیز وجود دارند. اینکه بزهکاران فضای سایبر از قابلیت‌ها و به تعبیری ضعف‌های فضای سایبر به منظور ارتکاب اعمال مجرمانه خویش بهره می‌گیرند، موضوعی است که بسیار در خصوص آن صحبت شده است؛ حال آنکه در خصوص این به اصطلاح کاستی‌های فضای سایبر که منجر به شکل‌گیری بزه‌دیدگی سایبری می‌شود، مطلب خاصی عنوان نشده است. این نقصان چه در حقوق داخلی ما و چه در منابع خارجی کاملاً مشهود است؛ به نحوی که در تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری زمینه‌های بزه‌دیدگی سایبری، هنوز اندیشه‌های متقنی ارائه نشده است؛ با این حال شاید بتوان به طور کلی زمینه‌های این نوع از بزه‌دیدگی را در دو دسته ذیل تقسیم بندی نمود:

الف: نقش بزه‌دیده و رفتارهای وی در بزه‌دیدگی سایبری

ب: نقش محیط سایبر در تحقق بزه‌دیدگی

در خصوص نقش بزه‌دیده و رفتارهای وی همان‌طور که برخی از حقوقدانان بیان داشته‌اند: کاستی‌های شدید تحقیقات موجود در حوزه حقوق کیفری سایبر به گونه‌ای است که امکان آشکار ساختن این موضوع را که چه نوع رفتاری در فضای سایبر ممکن است احتمال بزه‌دیدگی را افزایش دهد، فراهم نمی‌کنند. این روند با توجه به نوپا بودن این شاخه از حقوق کیفری سایبر، امری قابل پیش‌بینی بوده و به نظر می‌رسد که نمی‌توان از این ایراد چشم‌پوشی نمود.

گفتار اول: نقش بزه‌دیده و رفتارهای وی در تحقق بزه‌دیدگی سایبری

در پژوهش‌های مرتبط با بزه‌دیده شناسی در فضای واقعی دیدگاه‌هایی درخصوص نقش بزه‌دیده در بزه‌دیدگی خویش مطرح شده است و گروهی از جرم‌شناسان بر این باورند که بزه‌دیدگان به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند.

۱. بزه‌دیدگان واقعی
۲. بزه‌دیدگان مؤثر در بزه‌دیدگی (نجفی‌ایرندآبادی، ۱۳۸۵: ۲۷۳)

الف: بزه‌دیدگان واقعی

بزه‌دیده واقعی سایبری شخصی است که از هرگونه رفتار پرخطر خودداری نموده و سطحی از امنیت را برای سیستم رایانه‌ای خود فراهم نموده است، که نوعاً با میزان کار و استفاده وی از اینترنت نیز متناسب باشد. (زررخ، ۱۳۸۹: ۱۲۸ - ۱۲۹)

ب: بزه‌دیدگان مؤثر در بزه‌دیدگی

این دسته از بزه‌دیدگان افرادی هستند که آگاهانه یا ناآگاهانه موجبات بزه‌دیدگی خویش را فراهم می‌آورند. هرچند که در فضای سایبر، کاربران عموماً در سطوح پایینی از آگاهی‌های نرم افزاری و امنیتی هستند و غالباً از روی ناآگاهی مرتکب رفتارهای پرخطری می‌شوند که آنها را در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهد.

این دسته از بزه‌دیدگان به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند که در ادامه به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم:

- ۱- بزه‌دیدگانی که آگاهانه موجبات قربانی شدن خویش را فراهم می‌سازند.

این دسته از بزه‌دیدگان با وجود اینکه از رفتار پرخطر خویش آگاهی داشته و از عواقب آن هم تا حدودی اطلاع دارند، باز هم مرتکب آن رفتار می‌شوند. به عنوان مثال در بسیاری از موارد سیستم‌های امنیتی، برخی سایت‌ها را به عنوان سایتی که به رایانه فرد آسیب می‌رساند معرفی می‌کنند و از فرد می‌خواهند که وارد آن سایت به خصوص نشود و یا اینکه در برخی موارد اجرای نرم‌افزارهای به خصوصی که با نام‌های متداول کرک، پچ برای ثبت کردن نرم افزارهای غیر رایگان به کار می‌روند،^۲ همین هشدارها و توصیه‌ها را نیز از سوی سیستم امنیتی برای کاربر اعلام می‌کنند؛ حال اگر کاربر به این هشدارها بی‌توجهی نموده و به آن سایت خاص وارد شده یا نرم افزار مذکور را اجرا نماید، بزه‌دیدگی احتمالی ناشی از آن در واقع مستقیماً منبعت از فعل خود اوست.

هرچند که جنبه‌های دیگری نیز وجود دارد که در این مختصر جای پرداختن به آنها فراهم نیست، لیکن نمونه بارز دیگر هرزنامه‌های اینترنتی هستند که در بسیاری از موارد خود از مصادیق بارز علل بزه‌دیدگی سایبری به حساب می‌آیند. این فرآیند به گونه‌ای است که برخی حقوق‌دانان صرف دریافت نامه‌های الکترونیکی ناخواسته را از مصادیق بزه‌دیدگی سایبری قلمداد نموده‌اند.

۲- بزه‌دیدگانی که ناآگاهانه موجبات قربانی شدن خویش را فراهم می‌سازند.

برخی قربانیان جرائم سایبری که البته بیشترین تعداد بزه‌دیدگان سایبری را تشکیل می‌دهند، تنها به علت فقدان آگاهی دچار بزه‌دیدگی می‌شوند، به گونه‌ای که خودشان عملاً نقشی در تحریک بزهکار به ارتکاب جرم نسبت به خویش را نداشته‌اند؛ اما در تحقق جرم نیز مطلقاً بی‌تأثیر نبوده‌اند، چرا که ناآگاهی و سهل انگاری آنها موجبات بزه‌دیدگی‌شان را ایجاد نموده است. این دسته افراد برخلاف بزه‌دیدگان واقعی که هیچ‌گونه بی‌احتیاطی مؤثری در وقوع بزه‌دیدگی نداشته‌اند، با سهل انگاری خود بزه‌دیده شده‌اند. این دسته از بزه‌دیدگان سایبری به طور هم زمان قربانی بی‌احتیاطی خود و رفتار مجرمانه بزهکار شده‌اند و به تعبیری بزه‌دیدگی آنها منشاء دوگانه دارد، که تا حدود بسیاری رفتار پرخطرشان موجب تحقق و تشدید رفتار مجرمانه نسبت به ایشان شده است. در واقع ساده لوحی افراد در فعالیت‌های روزمره‌ی خود در فضای سایبر و نیز ناآشنایی آنها با توانمندی‌ها و خطرات فضای سایبر موجب بزه‌دیدگی آنها در این فضا می‌شود.

این دو گروه از بزه‌دیدگان که زیر مجموعه بزه‌دیدگان مؤثر در بزه‌دیدگی قرار دارند، به گونه‌ای خاص به دو روش رفتارهای پرخطر و بی‌احتیاطی در بزه‌دیدگی خویش نقش ایفا نموده‌اند. (مالمیر، ۱۳۸۹: ۶۶)

گفتار دوم: نقش محیط سایبر در تحقق بزه‌دیدگی

گسترش روز افزون حضور انسان‌ها در فضای سایبر، که به تعبیری محیطی خارج از جوامع واقعی و فیزیکی است، در جای خود منجر به شکل‌گیری جوامع سایبری شده است. این جوامع که بر اساس ویژگی‌های خاص فضای سایبر به وجود آمده‌اند خود به محیطی برای فعالیت‌های فعالان سایبری بدل شده‌اند. حضور در هر جامعه‌ای به فراخور آن جامعه دارای محاسن و معایبی است، که فرد می‌بایست با حضور در آن محیط آن را بپذیرد. از جمله معایب هر جامعه جرمی است که در آن جامعه بنا بر ویژگی‌های خاصش بر اعضا تحمیل می‌شود. جوامع سایبری نیز از این قاعده مستثنی نیستند و لذا زمینه‌های بزه‌دیدگی اعضای آنها متناسب با ویژگی‌های خاص آن جوامع می‌باشد. (همان: ۶۶ - ۶۷)

^۱ Crack

^۲ Patch

گفتار سوم: روش‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی سایبری

بر مبنای نظریه سبک فعالیت‌های روزمره بهترین روش از بازدارندگی از بزه‌دیدگی دشوار نمودن دسترسی به هدف یا همان بزه‌دیده است؛ زیرا امکان آموزش بزه‌دیده در راستای مقابله با بزه‌کاران سایبری به صورت حرفه‌ای بسیار دشوار است و تنها می‌توان به آموزش‌های ابتدایی بسنده نمود؛ حال آنکه در صورت جمع کردن حالت‌های مختلف اعم از آموزش افراد، اعمال تدابیر پیشگیرانه، نظارت بر کار فعالان حوزه سایبر و... می‌توان دسترسی به هدف یا همان بزه‌دیده را دشوار نمود و به این شکل از بزه‌دیدگی پیشگیری نمود.

بند اول: سیستم‌های امنیتی مناسب و به روز

با به کارگیری سیستم‌های امنیتی مناسب و به روز ارتکاب جرم در شبکه‌های اجتماعی بسیار مشکل می‌شود و از این طریق بزه‌دیدگی نیز به طور چشمگیری کاهش می‌یابد؛ البته به علت محدودیت عملکرد نیروهای کنترل اجتماعی رسمی در فضای سایبر تکیه بر روش‌های تدافعی فردی از اهمیت بیشتری برخوردار است، که همان به کارگیری تجهیزات کافی جهت افزایش امنیت سیستم‌های رایانه‌ای است.

بند دوم: پرهیز از رفتارهای پرخطر

تفاوت افراد در رفتارهای روزمره سبب تفاوت سطح خطرپذیری بزه‌دیدگی آنان می‌شود؛ بدین معنا که میزان و نوع عملکرد کاربران در امکان بزه‌دیدگی آنان کاملاً مؤثر است. در این فرض کاربران آن لاین و خصوصاً کسانی که علاقه‌مند به مشاهده سایت‌های ناشناس، دانلود آهنگ‌ها، فیلم‌ها و یا برنامه‌های نرم افزاری رایگان هستند و یا بر روی آیکن‌ها و تبلیغات اینترنتی بدون اندیشه و احتیاط کلیک می‌کنند و در شبکه‌های مجازی بی‌پروا خصوصی‌ترین تصاویر خود را به اشتراک می‌گذارند، به احتمال زیاد قربانی مجرمان سایبری می‌شوند.

بند سوم: پلیس‌های سایبری

حضور فعال و پررنگ نیروهای حفاظتی که با استفاده از آخرین روش‌ها به رصد و پیگیری فعالیت‌های اشخاص در فضای سایبر می‌پردازند، عامل مؤثر دیگری است که می‌توان از آن به عنوان یکی از تأثیرگذارترین روش‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد در شبکه‌های اجتماعی یاد نمود. در این روش متصدیان امر یا به تعبیری پلیس سایبری، به برخورد و مقابله با جرائم می‌پردازند و با پیگیری، تحت نظر قرار دادن اشخاصی که فعالیت‌های پنهانی و مرموز دارند و نیز کنترل شناسه اینترنتی آنان در فضای سایبر به رهگیری اقداماتشان می‌پردازند، تا از اعمال مجرمانه ایشان علیه دیگران جلوگیری نمایند. طراحی چترهای حفاظتی و همچنین ارائه اخطارهای آموزشی به اشخاص و فعالان حوزه سایبر از مهم‌ترین اقدامات این گروه‌هاست. (مالمیر و زررخ، پیشین: ۸۶)

مبحث دوم: بررسی مقررات کیفری حقوق داخلی در حمایت از بزه‌دیدگان سایبری

در این قسمت قانون آیین دادرسی کیفری و قانون آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای به عنوان قوانین کیفری موجود در حمایت از بزه‌دیدگان سایبری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: بررسی آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای در حمایت از بزه‌دیدگان سایبری

مواد ۶۶۴ و ۶۶۵ آذک به صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرایم سایبری با توجه به اصول صلاحیت حمایتی، شخصی، سرزمینی و جهانی پرداخته است. که بزه‌دیدگان مصرح در بندهای الف، ب، پ، ت ماده ۶۶۴ می‌توانند به دادگاه‌های ایران جهت رسیدگی به جرایم وقوع پیوسته مراجعه نمایند، لذا صرف نظر از ایرادات و اشکالاتی که به این بخش از آیین‌دادرسی جرایم رایانه‌ای مطرح است، آن است که مقنن در بند ت ماده ۶۶۴ صرفاً به جرایم رایانه‌ای متضمن سوء استفاده از اشخاص کمتر از ۱۸ سال، اعم از اینکه بزه‌دیده یا مرتکب ایرانی یا غیر ایرانی در ایران یافت شود، پرداخته است. در حالیکه جا داشت تا با توجه به موارد صلاحیت جهانی محاکم در رسیدگی جرایم بین‌المللی مانند جرایم علیه بشریت، جنایات جنگی، نسل کشی و... چنانچه جرایم رایانه‌ای منتهی به جرایم بین‌المللی مذکور گردد مورد توجه قرار گیرد و صرفاً به یکی از موارد صلاحیت جهانی که اشخاص زیر ۱۸ سال است مورد توجه قرار نگیرد تا از این حیث امکان حمایت از بزه‌دیدگان سایبری در صورت تحقق جرایم بین‌المللی نیز فراهم گردد و آنچه راجع به صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرایم حاصل از بند ب ماده ۶۶۴ مطرح می‌شود هم خالی از ایراد و سؤال نمی‌باشد، لذا چنانچه بزه‌دیدگان جرم ارتكابی از «طریق تارنماهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشور ایران ۱۲ ارتكاب یابد» تبعه‌های کشورهای خارجی باشند مشخص نیست که رویکرد مقنن و دادگاه‌های ایران در رسیدگی به شکایات بزه‌دیدگان سایبری ساکن در کشورهای دیگر چگونه است. بر فرض اینکه از طریق تارنماهای ایران جرمی صورت گیرد که بزه‌دیدگان آن هزاران نفر خارجی باشند آیا مقنن ایران تمایلی به رسیدگی به این جرایم دارد یا خیر؟ که پاسخ این سؤال با توجه به رویه قضایی کشورمان از این حیث منفی می‌باشد. (اسلامی، ۱۹۳۵: ۱۷۷) اقدام حمایتی دیگر این قانون را می‌توان حفظ داده‌های رایانه‌ای یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی دانست که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد که این حمایت از حمایت‌های تبعی از بزه‌دیدگان مطرح می‌باشد و برای تحقیق و دادرسی، لازم و ضروری است از سوی مقام قضایی دستور حفاظت یا توقیف و تفتیش آنها صادر شود و چنانچه ضابطان قضایی، کارکنان دولت و یا اشخاصی که وظیفه حفاظت داده‌ها بر آنها سپرده شده خودداری یا آنها را افشا نماید مطابق مواد ۶۶۹، ۶۷۰ و ۶۷۱ مستوجب مجازات خواهد بود این امر مبین آن است که مقنن در حفظ حقوق بزه‌دیده سایبری از حیث جمع‌آوری و نگهداری ادله جرم و شناسایی مجرمین اهمیت بسزایی قائل است.

با توجه به ماده ۶۸۷ آیین دادرسی کیفری در مواردی که برای رسیدگی به جرایم رایانه‌ای مقررات خاصی از جهت آیین دادرسی پیش بینی نشده است می‌توان گفت که سایر مقررات آ.د.ک در بسیاری از موارد از جرایم رایانه‌ای که مقرره‌های پیش‌بینی نشده است، مثل کشف جرم و تحقیقات مقدماتی به ضابطان دادگستری اختیارات بازپرس و دادستان، رسیدگی دادگاه‌های کیفری اعتراض آراء، اجرای احکام و... که دارای خلأ و سکوت است قابل اجرا و لازم‌الرعايه است، که بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که مقنن کشورمان در تدوین قانون جرایم رایانه‌ای کشورمان توجه چندانی به بزه‌دیدگان جرایم سایبری نداشته است. (همان، ۱۷۸)

گفتار دوم: جبران خسارت و شیوه‌های آن نسبت به بزه‌دیده سایبری در مقررات کیفری ایران

در قانون جرایم رایانه‌ای کشورمان راجع به حمایت بزه‌دیدگان سایبری از حیث جبران خسارت وارده و شیوه‌های آن موضوعی پیش‌بینی نشده است اما با توجه به اطلاق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر داشته شاکی می‌تواند در صورت وقوع خسارت جبران ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه نماید و در صورت وقوع زیان معنوی که شامل صدمات روحی، هتک حیثیت، اعتبار شخصی، خانوادگی و اجتماعی هست، دادگاه علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی می‌تواند متهم را از طریق الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن محکوم نماید. به عنوان

مثال، چنانچه بزهکاری در فضای مجازی با تغییر در داده‌های متعلق به دیگری تصویر یا فیلم خصوصی و خانوادگی را با علم به تحریف آن منتشر نماید مطابق ماده ۸ و ۱۶ جرایم رایانه‌ای علاوه بر جبران خسارت مادی به خسارت معنوی حاصله نیز محکوم می‌شود. از ایرادات وارده به قانون فعلی جرایم رایانه‌ای آن است که با توجه به تأثیرات و اهمیت فزاینده فضای مجازی در زندگی روزمره اشخاص در دنیا لازم بود تا مقنن کشورمان به منظور استیفای حقوق حقه شاکی و پیشگیری و مقابله با جرایم ارتكابی در فضای مجازی، مصادیق و شیوه‌های جبران خسارت وارده را به خوبی مشخص و تبیین نماید.

یکی از نکات مهم دیگر در جبران خسارت از بزه‌دیدگان فضای مجازی که می‌بایست در قانون جرایم رایانه‌ای توسط مقنن کشورمان مورد توجه قرار گیرد موضوع حمایت دولت از اتباع بزه‌دیده خویش در صورت عدم شناسایی متهمین می‌باشد که جبران خسارت وارده به بزه‌دیدگان از طریق شیوه‌هایی چون تأدیه خسارت به آن‌ها از منابع مالی قانونی جایگزین پیش بینی شده در قانون باشد به عنوان مثال: در قوانین داخلی کشورمان صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در تصادفات در صورت عدم شناسایی متهمین پیش‌بینی شده است و یا در ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی راجع به پرداخت دیه از بیت‌المال به اشخاصی که مورد قتل و ضرب و جرح عمدی واقع می‌شوند و قاتل و ضارب آن‌ها مشخص نیست به حمایت از این دسته از بزه‌دیدگان پرداخته است که شایسته است تا در این مورد هم چاره اندیشی مناسبی اتخاذ گردد. (همان، ۱۷۸-۱۷۹)

مبحث سوم: مفهوم شبکه‌های اجتماعی

تاکنون از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. نقطه اشتراک این تعاریف، تعاملی بودن و به اشتراک گذاری علاقه‌مندی‌ها و نظر کاربران است که با ایجاد محتوا در فضای مجازی صورت می‌گیرد. (حسینی، ۱۳۹۳: ۹۰) همچنین می‌توان گفت: شبکه‌های اجتماعی به مجموعه‌ای از افراد گفته می‌شود که به صورت گروهی با یکدیگر ارتباط داشته و مواردی مانند اطلاعات، نیازمندی‌ها، فعالیت‌ها و افکار خود را به اشتراک می‌گذارند. شبکه‌های اجتماعی رابطه بسیار نزدیک و مستقیمی با فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات دارند. (محکم کار، ۱۳۹۳: ۸۱)

برخی صاحب نظران به جای استفاده از واژه رسانه‌های اجتماعی با توجه به کارکرد شبکه‌ای این دسته از رسانه‌ها، استفاده از واژه شبکه‌های اجتماعی را ترجیح می‌دهند. هلن صدیق بنای معتقد است هرچند شبکه‌های اجتماعی واژه‌ای است که برای نامیدن گروهی از افراد که در میان خود دارای ارتباطات وسیع‌تر و مستمر هستند و یک حلقه منسجم ارتباطاتی را تشکیل می‌دهند، به کار می‌رود، اما این واژه امروزه عمدتاً برای نامیدن پایگاه‌های اینترنتی به کار می‌رود که افراد با عضویت در آن امکان دستیابی به اطلاعات سایر اعضا، آشنایی با علایق آنها، به اشتراک گذاری تولیدات متنی، صوتی و تصویری و نیز تشکیل گروه‌هایی براساس علایق مشترک با برخی از دیگر اعضای پایگاه را پیدا می‌کنند.

رسانه اجتماعی تعاریف متعددی را در برمی‌گیرد. دیوید میرمان اسکات، رسانه اجتماعی و تفاوت آن با رسانه‌های رایج را چنین بیان می‌کند: رسانه اجتماعی امکانی را فراهم می‌آورد که افراد در آن به تبادل نظر، محتوا، فکر و ارتباطات می‌پردازند و این نوع رسانه از آن رو با رسانه رایج تفاوت دارد که هرکسی می‌تواند در رسانه اجتماعی، اثر خلق کند، نظر بدهد و به محتوای آن بی‌افزاید. رسانه اجتماعی می‌تواند به شکل متن، صدا، تصویر، ایماژ و اجتماعات باشد.

پس شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از وب سایت‌های اینترنتی هستند. در این وب سایت‌ها، کاربران اینترنتی حول محور مشترکی به صورت مجازی با هم جمع می‌شوند و جماعت‌های آنلاین را تشکیل می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی، متناسب با نوع

موضوع فعالیت‌شان امکانات دیگری را از قبیل خبرخوان‌های اینترنتی، بازی‌های آنلاین، قابلیت آپلود کردن ویدیوها و فایل‌های کامپیوتری و برقراری ارتباط با سایر رسانه‌های شخصی را نیز در گزینه‌هایشان دارند.

گفتار اول: حضور زنان در شبکه‌های اجتماعی

جایگاه زنان به منزله قشری عظیم از جامعه، که پرورش روحی و ذهنی‌شان تأثیرات به سزایی در پی خواهد داشت، برکسی پوشیده نیست. همچنین، استعدادهای متفاوتی که در موضوعات مختلف دارند و دیدگاه‌هایشان به مسائل که برخاسته از تفاوت‌های فطری آنان است، می‌تواند منشأ تولیدات جدید و ایجاد پارادایم‌های نوین فرهنگی شود. زنان و انعکاس اخبار و موضوعات مربوط به آنان، در شبکه‌های اجتماعی گوناگون، از جمله موضوعاتی است که تاکنون توجه کمتری به آن شده است. پیچیدگی مسائل و موضوعات مربوط به زنان سبب شده است که هر یک از صاحب نظران، از دیدگاه خاصی آن را بررسی کنند. دانیل لرنر نظریه‌پرداز مکتب نوسازی دسترسی به رسانه‌های جمعی را پیش شرط مشارکت در جامعه امروزی می‌داند. وی بر این باور است که رسانه‌های جمعی به طور مستقیم بر نگرش‌ها و رفتارهای فرد تأثیر می‌گذارند. (کازنو، ۱۳۷۰: ۳۱۶)

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در نقش مهم‌ترین مصادیق این امر، به محلی برای حضور اقشار گوناگون جامعه، به ویژه زنان و مادران، و مکانی برای تبادل آرا و افکار ایشان و تأمین نیازهای متناسب با زندگی اجتماعی آنان تبدیل شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی افزون بر اینکه مرجع تأمین بسیاری از نیازهای فرهنگی و اجتماعی اعضای خود هستند، این امکان را برای اعضا فراهم می‌کنند که هم زمان با انجام سایر فعالیت‌های اجتماعی از طریق رایانه یا تلفن همراه، فعالیت خود را در این جوامع مجازی نیز پیگیری کنند. جذابیت شبکه‌های اجتماعی از یک سو و سهولت فعالیت در این دسته از جوامع از سوی دیگر، سبب می‌شود رابطه میان عضویت و حضور در شبکه‌های اجتماعی و تغییرات مربوط به سبک زندگی مادران و زنان عضو دنیای کنونی اطلاعاتی و تحولات فناورانه ابزار افزایش اقتدار فرد و جامعه را فراهم آورده و اداره زندگی خصوصی و عمومی را برای جامعه زنان آسان‌تر کرده است. شبکه‌های اجتماعی نیز با فراهم آوردن امکانات و تسهیلاتی جهت افزایش مشارکت فعال زنان منجر به این مسئله شده‌اند که جامعه زنان در کنار نقش مادری سنتی در نقش‌های جدید اجتماعی، که محصول جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای است، به ایفای نقش بپردازند.

گفتار دوم: تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر وقوع بزه‌دیدی زنان

در حال حاضر فضای سایبری و وسعت بسیار زیاد این فضا زندگی افراد را بطور کلی در تمامی جوامع حتی جوامع ابتدایی در بر گرفته، بطوریکه نبودن این فضا و عدم ورود به آن مشکلات متعددی را برای انسان ایجاد می‌کند. در کنار تمامی محاسن و خدمات بسیار خوبی که در این فضا وجود دارد، بالطبع خطرات و مضراتی نیز انسان‌ها را در این فضا تهدید می‌کند. قشر بسیار وسیع از کسانی که بطور مستقیم و غیرمستقیم در این فضا مورد بزه قرار می‌گیرند زنان و دختران می‌باشند. استفاده‌های جنسیتی از زنان و دختران از طریق اغفال، سرقت اطلاعات شخصی، حتک حیثیت و همچنین اخاذی، کلاهبرداری و بسیاری دیگر از جرایم در این فضا باعث گردیده که بسیاری از کشورهای جهان نسبت به ایجاد فیلترینگ و تصویب قوانین خاص جهت برخورد با جرایم سایبری اقدام نمایند. ضمن اینکه تدابیر پیشگیرانه که جهت جلوگیری از بزه‌دیدی زنان و دختران در این فضا می‌بایست مدنظر قرار گیرد توسط دولت‌ها مدنظر قرار گرفته است. نهایتاً می‌توان اینگونه به موازات پیشرفت علم و تکنولوژی و بوجود آمدن فضای سایبری جرایم نوظهوری نیز ایجاد گردیده که با توجه به اجتناب ناپذیر بودن ورود زنان و

دختران در فضای سایبری، بسیاری از این جرایم خاص این قشر بسیار عظیم از جامعه می‌باشد. لذا آشنایی آنان با جرایم این فضا و طرق جلوگیری از بزه‌دیدگی نقش بسیار مهمی در کاهش جرایم سایبری خواهد داشت. (عظیمی، ۳۹۴: ۶۱)

بند اول: نگاه کلیشه‌ای جنسیتی و توهین به زنان

تجربه‌ی زنان در علوم و تکنولوژی، به لحاظ تاریخی محدود و تحت تسلط و سیطره‌ی همتای مردشان بوده است. از زمان ایجاد و گسترش اطلاعات و ارتباطات جدید، تحقیقات نشان داده که تجربه‌های زنان در اینترنت، همان تجربه‌های آنان در علوم و تکنولوژی را منعکس می‌کند. زنان چه در دنیای واقعی، چه در فضای مجازی نیاز به امنیت دارند، اما متأسفانه گاهی این نیاز امنیتی در فضای سایبر نادیده گرفته می‌شود. از مصادیق ناامنی، خشونت کلامی و نوشتاریست که از طریق شبکه‌های اجتماعی به صورت حملات نوشتاری و به کارگیری کلمات رکیک و آزار دهنده علیه زنان و یا حتی تخریب و حمله به آنان جهت اعمال خشونت و ابراز قدرت علیه آنان صورت می‌گیرد. وجود تصاویر مستهجن و پورنوگرافیک در شبکه‌های اجتماعی به مردان می‌آموزد که زنان موجوداتی آسیب‌پذیرند و باید مورد سوء استفاده و پرخاشگری، تجاوز جنسی و آزار باشند. فعالیت‌های پورنوگرافیک علامت تداوم سیستم مرد سالاری است، زیرا این مردان هستند که به صورت آشکار و پنهان میل برتری خود را با سوء استفاده جنسی از زنان نشان می‌دهد. این تصاویر زنان را مطیع و تسلیم‌پذیر نشان می‌دهد. خشونت و سکس دست مایه‌ی اصلی تصاویر پورنوگرافیک است. در اغلب این تصاویر مردان در حالت غلبه و تسلط بر زن هستند و صحنه‌هایی به نمایش در می‌آید که زن را در موقعیت خوار و پست نمایش می‌دهد. (میر حسینی، ۱۳۸۷: ۶)

بند دوم: استعمار جنسی و قاچاق زنان

دو نوع جرم با هدف‌گیری قربانیان زن در شبکه‌های اجتماعی واقع می‌شود. یکی از این جرایم، استعمار جنسی زنان است. این جرم مسائلی چون استفاده از زنان برای هرزه‌نگاری آنلاین تا قاچاق زنان را در بر می‌گیرد. قاچاق زنان و استعمار جنسی در گذشته هم وجود داشته است ولی اینترنت و با رواج شبکه‌های اجتماعی پرطرفدار این فعالیت‌های غیر قانونی را آسان‌تر کرده است. قاچاقچی‌ها از شبکه‌های اجتماعی به روز و پرطرفدار به شیوه‌های گوناگون استفاده می‌کنند تا با قربانی خود تماس بگیرد و از آنان سوء استفاده کنند. (راودراد، ۱۸۴: ۷۶)

بند سوم: آزار و اذیت جنسی زنان

شبکه‌های اجتماعی گوناگونی وجود دارد که افراد می‌توانند درگیر گفت و گوهای جنسی شوند. مهاجمان از فضاها و شبکه‌های اجتماعی متعدد استفاده می‌کنند تا زنان را مورد آزار و مزاحمت‌های جنسی قرار دهند و این آزارها از توهین جنسی تا استفاده‌ی صنعت جنسی از تکنیک‌های تحمیلی برای قرار دادن تصاویر هرزه‌نگاری صرف نظر از سن یا جنس مصرف کننده در صفحه‌ی کامپیوتر و گوشی وی را در برمی‌گیرد. (همان: ۷۶)

بند چهارم: نقض حریم خصوصی

در شبکه‌های اجتماعی به علت نامشخص بودن هویت‌ها و نیز از آنجا که امکان دسترسی به اطلاعات شخصی افراد ممکن است به حریم خصوصی افراد تعدی می‌شود. لذا در این فضا تهدیدهایی برای حریم خصوصی زنان وجود دارد و در صورتی که آنان اطلاعات کافی در مورد مسائل امنیتی اینترنت نداشته باشند و در تعامل خود دقت نکنند ممکن است از این منظر آسیب ببینند. ظهور شبکه‌های اجتماعی بیش از پیش از همه‌ی مراحل توسعه فناوری اطلاعاتی باعث ایجاد مخاطره‌ها و تهدیدهایی برای حریم خصوصی شده است. آشکارترین تهدیدها برای حریم خصوصی، قابلیت سوء استفاده از اطلاعات شخصی هستند؛ اما

وقتی فضای مکانی و فیزیکی زندگی شخصی گشوده می‌شود و رابطه‌ی مجازی به سمت واقعی شدن می‌رود حریم خصوصی جسمی هم به خطر می‌افتد. (امیر مظاهری، ۱۳۸۹: ۱۱۳)

بند پنجم: مزاحمت

مزاحمت عموماً شامل آزار و یا رفتار تهدید آمیزی است که فرد به طور مکرر در مورد فرد دیگری به کار می‌برد؛ مثل تعقیب فرد، ظاهر شدن بر درب منزل یا محل کار فرد، تماس‌های تلفنی آزار دهنده، گذاشتن پیغام‌های نوشته شده، ارسال هدایا و یا تخریب اموال فرد.

تنها تهدید نمی‌تواند جرم تلقی شود و مورد پیگیری قرار بگیرد، بلکه برای به مرحله اجرا در آمدن بیشتر قوانین مربوط به مزاحمت، باید تهدیدی که بر علیه بزه‌دیده شود باور کردنی باشد؛ اجرای بقیه قوانین متضمن انجام تهدیدهایی علیه وابستگان درجه یک قربانی است و تنها برخی قوانین نیازمند این هستند که عمل غیرقانونی مزاحم شامل یک تهدید ضمنی باشد. اما با روند رو به رشد شبکه‌های اجتماعی و وابستگی انسان امروز به اینترنت این دسته از مزاحمت‌ها به شیوه‌ی مجازی رو به گسترش است. بسیاری از مزاحمت‌ها به هیچ وجه گزارش نمی‌شوند؛ زیرا افراد هنوز نمی‌دانند که این کار می‌تواند رفتار مجرمانه و قابل تعقیب تلقی شود. در برخی موارد، نیروی پلیس متخصص و آشنا به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نوین و برای مقابله با این تهاجم‌ها وجود ندارد. در چنین موارد پلیس از بزه‌دیده می‌خواهد که یا تلفن خود را عوض کند و یا کامپیوتر را خاموش کند. بزه‌دیده چنین مزاحمت‌هایی عموماً در شبکه تازه کار است و با قوانین امنیتی و مجرمانه بودن اطلاعات آشنایی ندارد. بزه‌دیده‌های اصلی اغلب زنان هستند که از لحاظ عاطفی ضعیف و تأثیرپذیر هستند. بیش از ۷۵٪ قربانی‌ها زن هستند. (راوودراد، پیشین: ۷۷-۸۱)

مبحث چهارم: نظارت همگانی پلیس در جهت پیشگیری و کاهش آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی

اصطلاح نظارت همگانی، واژه‌ای است که در طی سال‌های گذشته وارد ادبیات و فرهنگ سیاسی و مدیریتی کشور شده است. نظارت یکی از فرآیندهای اساسی در مدیریت هر سازمان است که از طریق آن می‌توان به حداکثر کارایی و اثر بخشی در راستای اهداف سازمان دست یافت. هر برنامه سازمانی که بخواهد درست انجام شود نیازمند نظارت است، خواه این برنامه یک طرح تحقیقاتی، یک طرح عملیاتی و یا یک عملیات پلیسی در جهت شناخت جرم و مجرم باشد. از آنجا که نظارت در برنامه‌ها و خدمات ارائه شده از طرف سازمان‌ها در اصلاح انحرافات و تطابق عملکردها با اهداف مطلوب مؤثر هستند، می‌توان گفت که نظارت نقش ارزشمندی در ارتقای کیفی سازمان‌ها و به خصوص سازمان‌های پلیسی دارد.

تعاریف متعددی برای نظارت در ادبیات آمده است. نظارت در یک تعریف عبارت است از تلاشی منظم در جهت رسیدن به اهداف استاندارد و جلوگیری از انحرافات غیرمسئولانه و غیرقانونی است. بین نظارت و نظارت همگانی تفاوت زیادی وجود دارد. نظارت همگانی یک فرایند مستمر است که همراه با توسعه خدمات سازمان‌ها به مردم به وجود می‌آید و مبنی بر اطلاعات گذشته، حال و پیش‌بینی‌های آینده با بازخورد گرفتن از مردم، برنامه‌ها و مسیر مدیریت سازمان‌ها را تنظیم و کنترل می‌کند. نظارت همگانی، به مفهومی دیگر، زمینه برنامه‌ریزی سیستم باز را برای ارائه خدمات سازمان‌هایی مانند سازمان‌های پلیسی به مردم فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر هر سازمان نیازمند نظارت همگانی مردمی جهت ارتقای خود و ارزیابی کیفیت خدماتی است که ارائه می‌دهد.

از آنجا که مقوله نظارت همگانی، ریشه در مشارکت شهروندان در انجام امور شهری دارد، شاید بهتر باشد در ابتدا به تعریف مفهوم مشارکت بپردازیم. مشارکت عبارت از همکاری و شرکت در کار، امر یا فعالیتی، حضور در جمع، گروه و یا سازمانی

خاص جهت بحث و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است که در آن نقش و مسئولیت افراد، چندان مشخص شده نیست. به عبارت دیگر، مشارکت به آن دسته از فعالیت‌های ارادی گفته می‌شود که اعضای یک جامعه از طریق آنها در فرآیندها و امور جامعه شرکت کرده و به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات مدنی مشارکت می‌کنند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۳)

نظارت همگانی به دو دسته فعال و غیرفعال تقسیم می‌شود. در نظارت غیرفعال، سازمان‌ها و ارگان‌ها تنها به ارائه اطلاعات درخواستی شهروندان به ایشان می‌پردازند، ولی در نظارت فعال، شهروندان می‌توانند به صورت مستقیم بر عملکرد سازمان‌های مطلوب نظارت نمایند. روند توسعه نظارت همگانی نیز در طی دهه‌های گذشته متأثر از این دسته‌بندی‌ها بوده است، به گونه‌ای که نوع روابط مردم با دولت از حالت یکطرفه که در آن دولت ارائه‌کننده اطلاعات محدود بوده و شهروندان بر اساس نیاز از اطلاعات موجود استفاده می‌کردند، به نوع روابط دوطرفه که در آن هر دو طرف به ارائه اطلاعات و بازخورد می‌پردازند و در نهایت، مدل مشارکتی که دو طرف با مشارکت و همکاری یکدیگر، امور را انجام می‌دهند، توسعه یافته است؛ لذا نظارت همگانی یکی از موارد مهمی است که در شریعت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و طی سال‌های گذشته نیز توجه زیادی را از سوی مسئولان و دولت‌مردان کشور به خود اختصاص داده است. با توسعه اینترنت، فضای مجازی و وجود شبکه‌های اجتماعی در سراسر جهان بهره‌برداری از قابلیت‌ها و توانمندی‌های این مفهوم به صورت شایسته‌ای میسر شده است. فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن این قابلیت را در اختیار دولت‌ها و نهادهای پلیسی و امنیتی قرار می‌دهد تا بتوانند ضمن جلب مشارکت‌های عمومی، هزینه‌های پیشگیری از جرایم را کاهش داده و کنترل جرایم و نظارت بر جامعه مجرمان را افزایش دهند. پلیس از طریق نظارت همگانی به طیف وسیع‌تری از اطلاعات از جامعه دسترسی دارد و بازخوردی واقعی از نظرات مردم در مورد جرم و جرایم به دست می‌آورد. برای اینکه بتوان فضای مناسبی را جهت پیاده‌سازی ایده‌های نهادهای پلیسی در استفاده از مشارکت و نظارت همگانی در فضای مجازی به وجود آورد باید به شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات و بخصوص به سازمان‌های مجازی پلیسی توجه ویژه داشت. پلیس باید به دنبال ارائه طرحی باشد که با اجرای آن بتواند به کمک فناوری اطلاعات، بستر تحقق و گسترش نظارت همگانی را در فضای جرم و جرایم جامعه توسعه دهد. اگر سازمان‌های پلیسی به شکل مجازی تعریف شوند و بتوانند بر مجموعه‌ای از شبکه‌های موجود در فضای مجازی تسلط پیدا کنند و از همکاری و نظارت همگانی مردم بهره‌مند شوند، قطعاً میزان جرم و جرایم در جامعه کاهش می‌یابد. شناخت جایگاه نظارت همگانی پلیس و نظارت بر خدمات الکترونیکی ارائه شده از طرف پلیس در فضای سایبر، نیازمند شناخت ابزارهای ارتباطی مرتبط مانند تلفن همراه، پیام کوتاه، اینترنت، شبکه‌های ملی داده و ابزارهای آن مانند شبکه‌های اجتماعی، سازمان‌های مجازی، جایگاه فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای وسیع آن در سرویس‌ها و خدمات الکترونیکی است. نظارت همگانی در ارائه خدمات الکترونیکی به مردم از طریق مراکز نظارت همگانی الکترونیکی زمانی اتفاق خواهد افتاد که علاوه بر وجود منابع انسانی مناسب و آموزش دیده پلیس، سایر زیرساخت‌های مورد نیاز و همچنین امنیت لازم فراهم شده باشد. اینترنت با پهنای باند زیاد و شبکه‌های ملی پرسرعت، مهمترین ابزاری هستند که بستر ارتباطی بین مردم و مراکز نظارت همگانی پلیس را برای نظارت بر ارائه خدمات غیرالکترونیکی و الکترونیکی چند رسانه‌ای سازمان‌های مجازی پلیسی به شهروندان فراهم می‌کنند. با وجود این شرایط چنین خدماتی با کیفیت بسیار بالا قابل انجام است. علاوه بر آن، پهنای باند زیاد در شبکه‌های دسترسی شهروندان به خدمات الکترونیکی پلیس و ارتباط با مراکز نظارت همگانی پلیسی، جزء مهمترین نیازهای امنیتی و توسعه نیروی انسانی سازمان‌های مجازی پلیس است. (جلالی، ۱۳۸۹: ۶-۷)

خلاصه و نتیجه‌گیری

انسان در قرن معاصر، با دنیای جدیدی به نام فضای مجازی مواجه شده، که از ویژگی‌های متمایزی با دنیای واقعی برخوردار است. تحقیقات در خصوص فضای مجازی همگی حاکی از مزایای بی‌شمار آن در قرن حاضر می‌باشد، فضای مجازی توانمندی‌هایی برای پیشبرد بهینه امور در اختیار دارد که بشر را قادر می‌کند تا از آن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی، بهداشت و درمان و حتی نظامی استفاده ببرد. اما مزایای جذاب و منحصر به فرد آنها نباید افراد را از معایب آنها غافل بدارد. در واقع آنچه مسلم است این است که بهره‌برداری صحیح و سودمند از این فضا مستلزم رعایت هنجارهایی است که تخطی از آنها می‌تواند باعث آسیب‌هایی شود. کسانی که به این فضا پا می‌گذارند، اگر آموزش‌های صحیحی نبینند، ابتلاء به آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر شخصی، اجتماعی و خانوادگی غیرقابل اجتناب خواهند شد و بزه‌دیدگی یکی از آسیب‌زاترین آنهاست؛ در نتیجه با توجه به شرایط جامعه امروزی و رشد سریع شبکه‌های اجتماعی زنان به عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه بیشتر در معرض آسیب قرار دارند.

زیرا زنان نیز بخش قابل توجهی از کاربران اینترنتی را تشکیل می‌دهند و به حضور در اینترنت علاقه نشان داده‌اند. حضور بیش از ۳۰ هزار وبلاگ نویس فعال زن در وبلاگستان فارسی و نیز حضور زنان در شبکه‌های اجتماعی گواه این مدعاست. شتاب اعجاز‌آور، رشد تصاعدی، همه‌گیری و همه جایی بودن شبکه‌های اجتماعی لزوم تحقیق در پیامدهای اجتماعی آن را نشان می‌دهد. در مورد زنان قدری مسأله پیچیده‌تر و قابل توجه‌تر است. زنان که به طور معمول و به دلیل نگاه سنتی حاکم بر نقش زن در جامعه همواره محدودیت‌هایی در تعامل اجتماعی داشتند، در شبکه‌های اجتماعی شکل جدیدی از حضور و تعامل را تجربه کردند. در شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک محیط جدید و فراگیر شکل‌گیری ارتباطات، به سرعت در حال رشد و گسترش است، به طوری که هیچ پدیده‌ی دیگری در طول سال‌های اخیر در ایران به اندازه‌ی اینترنت رشد نداشته است و کاربران زن ایرانی پا به پای دیگر کاربران به استفاده از آنها علاقه نشان می‌دهند. رشد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از یک سو موجب تسهیل ارتباط، از میان برداشتن موانع جغرافیایی و دسترسی به اطلاعات شده و از دیگر سو زمینه‌های بروز جرایم و بزه‌دیدگی زنان را در این زمینه فراهم کرده است. به نظر می‌رسد استفاده از اینترنت زمینه‌ی بروز انزوای طلبی را در زنان فراهم می‌آورد که به روابط تعامل‌های روزمره‌ی آنان آسیب می‌رساند. موانعی بر سر راه زنان برای حضور بیشتر و پررنگ‌تر در عرصه شبکه‌های اجتماعی وجود دارد که شامل شکاف دیجیتالی، سطح پایین سواد زنان و عدم وجود امکانات و تحصیلات در این زمینه است. این عوامل موجب می‌شود که زنان نتوانند در عرصه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی حضور مناسبی داشته باشند و کمتر از امکانات آن استفاده کنند؛ در حالی که دسترسی و استفاده نامناسب از این فناوری‌ها می‌تواند زمینه‌ی بهبود وضعیت زنان را مهیا کند. علاوه بر موانعی که بر سر راه زنان در استفاده از اینترنت است، برخی عوامل هم وجود دارند که موجب خوار و تحقیر شدن شخصیت زنان در شبکه‌های اجتماعی شود و همچنین آسیب‌هایی نیز در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و عدم اطلاعات مکفی در این زمینه وجود دارد که باعث می‌شود زنان به عنوان اصلی‌ترین قشر در معرض بزه‌دیدگی فضای سایبر قرار گیرند. در واقع جرائم اینترنتی اتفاق می‌افتد که زنان را مورد هدف قرار داده است و از آنان سوء استفاده می‌کنند. از جمله سوء استفاده‌ها و جرائم شایع در فضای مجازی سوء استفاده‌های جنسی، نقض حریم خصوصی، توهین و تحقیر، سرقت اطلاعات و اخاذی از طریق آنها، قاچاق زنان و ... را می‌توان نام برد. با وجود این مسائل به نظر می‌رسد زنان باید از آسیب‌هایی که استفاده از شبکه‌های اجتماعی، آنها را در معرض مخاطره قرار می‌دهد آگاه باشند تا با ناآگاهی گرفتار مصائب نشوند. در نتیجه نیاز به آموزش و فرهنگ‌سازی برای زنان در مورد نحوه‌ی صحیح استفاده از شبکه‌های اجتماعی لازم است.

این افشار با آگاهی از مسائل جانی، ناامنی، جرائم اینترنتی و با در اختیار داشتن اطلاعات مکفی می‌توانند خود را منعطف به ظرفیت‌های مثبت آن کنند، استفاده‌ی کاملاً مطلوب و مناسب از شبکه‌های اجتماعی داشته باشند و آسیب‌های آن را به حداقل ممکن برسانند.

در نهایت باید به این مهم اشاره کرد که جرائم اینترنتی در فضا و بستری ارتکاب می‌یابند که امکان شناسایی و مقابله با آنها بسیار دشوار است و آنگونه که در این نوشتار نیز اشاره شد، افزایش سطح آگاهی‌های فنی و امنیتی تمامی کاربران در فضای سایبر ممکن نیست و از سویی احتمال بزه‌دیدگی ایشان نیز بسیار بالاست. با توجه به ساختار فضای سایبری که امکان پیشگیری محیط مدار را برای ناظرین به نحوی مطلوب فراهم می‌کند، باید بر ایجاد و تقویت محافظان توانای این عرصه، یعنی پلیس سایبری، همت گمارد و این راهکار را یکی از بهترین روش‌ها در پیشگیری از بزه‌دیدگی سایبری دانست.

در مجموع می‌توان اذعان داشت، در کنار کلیه آثار مثبتی که در استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی وجود دارد، تصور پیامدهای منفی و چالش‌هایی که در اثر استفاده نادرست و ناشایسته از این شبکه‌ها، افراد را تهدید می‌کند، آزار دهنده می‌باشد. لیکن آنچه مسلم است، برخورد سلبی با کلیه پدیده‌های نوین همچون شبکه‌های اجتماعی، نه تنها مثرثمر نخواهد بود، بلکه تأثیر معکوسی نیز خواهد داشت.

به منظور مصون ماندن از تهدیدات و آسیب‌های احتمالی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و در عین حال در راستای بازماندن از تکنولوژی‌های نوین جهانی، پیشنهاداتی کلی زیر ارائه می‌گردد. امید است که ارائه این پیشنهادات بتواند راهگشای زنان جامعه به عنوان آسیب‌پذیرترین قشر اجتماع و به منظور بهره‌مندی از این فناوری نوین باشد:

۱. لزوم فرهنگ‌سازی به منظور ارتقاء آگاهی کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی
 ۲. لزوم ایجاد شبکه اجتماعی ملی منطبق بر آیین، فرهنگ و قوانین جاری کشور
 ۳. لزوم تهیه برنامه‌های آگاه‌سازی توسط رسانه‌ها به منظور آشنایی افشار جامعه نسبت به نکات مثبت و منفی استفاده از شبکه‌های اجتماعی
 ۴. وضع قوانین سختگیرانه‌تر جهت برخورد با مجرمان جرائم اینترنتی و اجرایی نمودن این قوانین
 ۵. در مواردی که مورد تهدید و مزاحمت در فضای مجازی قرار گرفتند، بلافاصله به پلیس فتا مراجعه نمایند.
 ۶. برنامه‌ریزی مناسب جهت ارتقای سطح سواد رسانه‌ای زنان
 ۷. شبکه‌های اجتماعی در حال گسترش و از بین بردن حریم خصوصی افراد هستند، لذا نباید هرگز گوشی‌های همراه و تبلت‌ها و مانند آن را حریم شخصی دانست.
 ۸. هر اتفاق و حادثه‌ای در رابطه با جرم در شبکه‌های اجتماعی به علاوه نام، تاریخ و زمان ثبت شود و در اختیار پلیس فتا گذاشته شود.
- در مجموع، لازم است تا همه‌ی افراد جامعه به ویژه زنان دست به دست هم دهند تا از بروز چنین حوادث تلخ و ناگواری در کشور جلوگیری شود.

منابع

- اسلامی، ابراهیم (۱۳۹۵). جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان جرایم سایبری در مقررات کیفری حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، شماره اول
- امیرمظاهری، امیر مسعود؛ ایرانشاهی، اعظم (۱۳۸۹). چالش‌های تعامل اجتماعی زنان ایرانی در فضای مجازی، شماره هشتم
- جلالی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). نظارت همگانی عامل پیشگیری جرایم در فضای مجازی، کارآگاه، شماره ۱۲
- جوانمرد، کمال (۱۳۸۴). اصول و مبانی تحقیقات اجتماعی، جزوه درسی روش تحقیقات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده علوم اجتماعی
- حسینی، سید عباس (۱۳۹۳). تحلیل رفتار جوانان در شبکه‌های اجتماعی مجازی و نقش رسانه در هدایت و حمایت از آنان، مطالعات جوان و رسانه، شماره ۱۳
- راودراد، اعظم (۱۳۸۴). مسائل اجتماعی زنان در اینترنت، فصلنامه ارتباطات و فرهنگ، شماره ۳
- زررخ، احسان (۱۳۸۹). جرائم مخابراتی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۹
- سلیمانی‌پور، روح‌الله (۱۳۸۹). شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و تهدیدها، ره آورد نور، شماره ۳۱
- عظیمی، اسماعیل (۱۳۹۴). تأثیر فضای مجازی بر وقوع بزه‌دیدگی زنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ناپیوسته، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اصفهان واحد خوراسگان
- کازنو، ژان (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: اطلاعات
- المیر، محمود؛ زرخ، احسان (۱۳۸۹). پیشگیری از بزه‌دیدگی سایبری، مطالعات پیشگیری از جرم، شماره هفدهم
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی سیاسی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱
- محکم کار، ایمان؛ حلاج، محمد مهدی (۱۳۹۳). شبکه‌های اجتماعی به دنبال چه هستند؟، فصلنامه دانش خراسان شمالی، شماره دوم
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۹). فناوری‌های جدید ارتباط ملی و رسانه، بازتاب اندیشه، شماره ۱۱۶
- میرحسینی، مریم (۱۳۸۷). کجروی‌های اینترنتی، لزوم نظارت و محدود کردن دسترسی به اطلاعات، مجله جهانی رسانه، شماره ۵
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۵). تقریرات بزه‌دیده‌شناسی، تهیه و تنظیم: فاطمه قناد، مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی

Prevention and the role of police in general on reducing the victimization of women in social networks

Abstract

The cyber space, as the epitome of this century, has created a unique transformation in human life, which has accelerated in the present era and saved people from the place with social networks. Social networks play a significant role in today's world, and it is anticipated that with the advent of social networks and their growing prosperity, along with their many benefits, it is a serious threat to the community, but what adds to the worries is that in recent years, according to research and statistical studies With the advent of social networks, the number of female victims is expanded exponentially, and as the damage to the networks worsens more quickly, they call for the victimization of women to themselves. Thus, in this research attention was paid to the victimhood of women in cyberspace, and it has been tried to study the social networks as a new generation in the society as well as the role of police general supervision in preventing and reducing its harm. To be paid. Yet, the issue of women's victimization in cyberspace continues to be a widespread issue as a neglected crisis every day.

Keyword

Social networks, Cybercrime , women, prevention, police

|